

گزارشی از نمایشگاه نقاشی هنرمندان خردسال مهدی در نگارخانه رضوان

«آغوش ابریشم» رویاهای کودکانه را در خود جای می دهد



ریحانه موسوی

نمایشگاه نقاشی «آغوش ابریشم» که حاصل ذوق و استعداد هنرجویان خردسال منیره محمدی است، در نگارخانه رضوان گشایش یافت. این نمایشگاه آثاری خلاقانه و سرشار از حس پاک کودکی را به تماشا گذاشته است. دیوارهای قرمز و روشن نگارخانه، بوم هایی از رویاهای کودکانه را در خود جای داده که هر یک پنجره‌ای به دنیای بی‌کران تخیل این هنرمندان کوچک می‌گشایند. از ماه و ستاره‌های درخشان تا اشکال انتزاعی پراز رنگ، هر اثر با زبان بی‌واسطه خود، بیننده را به سفری شیرین در عمق دنیای کودکان دعوت می‌کند. این نمایشگاه فرصتی است برای تجربه زیبایی‌های ناب و کشف نگاهی تازه به هنر از دریچه چشمان معصوم کودکان.

● تلفیقی از تخیل، احساس و نگاه شخصی کودکان

منیره محمدی، مدرس نقاشی خلاق کودک و هنرمند نگارگری، نمایشگاه «آغوش ابریشم» را نتیجه چند سال آموزش، تجربه ورزی و خلق آزادانه هنرجویان هفت تا پانزده ساله خود توصیف کرد و ادامه داد: در این مجموعه حدود ۴۶ اثر ارائه شده که همگی به صورت ذهنی و بر پایه تخیل، احساس و نگاه شخصی هنرجویان شکل گرفته‌اند. در روند خلق آثار از تکنیک‌های متنوعی مانند مداد رنگی، پاستل، مداد شمعی، گواش و همچنین شیوه‌های ترکیبی مثل میکس مدیا، کلاژ و تکسچر استفاده شده است. این تنوع تکنیکی باعث شده هر اثر هویت مستقل و بیان شخصی خود را داشته باشد.

وی اضافه کرد: هدف من این بود که هنرجویان تجربه واقعی حضور در یک فضای حرفه‌ای هنر را لمس کنند. نمایشگاه برای یک کودک فقط یک رویداد نیست؛ یک نقطه عطف است که اعتماد به نفس، انگیزه و باور به توانایی‌های هنری او را چند برابر می‌کند. می‌خواستم تلاش و خلاقیتشان دیده شود و اولین قدم جدی‌شان در مسیر هنر را با یک تجربه واقعی آغاز کنند.

این هنرمند «آغوش ابریشم» را نماد لطافت، پاکی و صداقت نگاه کودکان دانست و آن را به جهانی نرم، روشن و بی‌غل و غش که فقط در هنر کودک می‌توان آن را دید، تشبیه کرد و درباره نام‌گذاری نمایشگاه توضیح داد: این نام را انتخاب کردم چون آثار این نمایشگاه دقیقاً همین حس را منتقل می‌کنند؛ یک آغوش لطیف و صادقانه از جنس خیال و احساس.

وی کار با کودکان را نیازمند صبر، توجه و شناخت دقیق دنیای ذهنی آن‌ها برشمرد و بیان کرد: سختی کار اینجاست که باید به هر هنرجو اجازه بیان شخصی بدهیم و در عین حال او را به مسیر درست هدایت کنیم. اما شیرینی‌اش چند برابر است؛ چون کودک بدون ترس، قضاوت و با صداقت کامل خلق می‌کند. این صداقت هنری چیزی است که در بزرگ سالان کمتر دیده می‌شود.

● نمایشگاه «آغوش ابریشم» نتیجه مسیر آموزشی است

محمدی یادآور شد: ایده پردازی، انتخاب موضوع، ترکیب بندی و اجرای نهایی کاملاً توسط خود هنرجویان انجام شده است. نقش من فقط هدایت، آموزش تکنیک‌ها و کمک به تقویت نگاه شخصی آن‌ها بوده است. هدف این بود که هر اثر «امضای ذهنی» هنرجو را داشته باشد، نه بازآفرینی یک الگو یا کپی از نمونه‌های آماده.

وی در بخش دیگری از صحبت‌های خود بیان کرد: با وجود شرایط اقتصادی، علاقه کودکان به هنر نه تنها کم نشده، بلکه بیشتر هم شده است. خانواده‌ها می‌دانند هنر فقط یک سرگرمی نیست؛ یک مسیر رشد ذهنی، احساسی و خلاقانه است. نقاشی برای کودک یک زبان است؛ زبانی که به او کمک می‌کند احساساتش را بیان کند و جهان را بهتر بفهمد.

این هنرمند ابراز کرد: دوست دارم مخاطب با دیدن این آثار، صداقت نگاه کودک، آزادی تخیل و جهان بی‌واسطه ذهن او را تجربه کند. این آثار پیام پیچیده‌ای ندارند، اما معناهای عمیقی دارند که شامل پاکي، امید، خیال و نگاه روشن به جهان است. مخاطبان معمولاً با کنجکاوی و لبخند وارد نمایشگاه‌هایی شده و با شگفتی خارج می‌شوند. وقتی می‌بینند یک کودک می‌تواند چنین بیان شخصی و تخیلی داشته باشد، نگاهشان نسبت به هنر کودک تغییر می‌کند و ارزش آن را بیشتر درک می‌کنند.

وی معتقد است: هنر کودک یک سرمایه فرهنگی بوده و اگر از همین سن جدی گرفته شود، می‌تواند آینده هنری بسیار روشن‌تری برای نسل جدید رقم بزند. نمایشگاه «آغوش ابریشم» فقط یک رویداد نیست؛ یک قدم کوچک اما مهم در مسیر رشد هنری این هنرجویان است. سال‌هاست در حوزه آموزش هنر کودک و بزرگ سال فعالیت می‌کنم و تلاش من این بوده که هنرجویان نه فقط تکنیک، بلکه بیان شخصی، تخیل و نگاه مستقل خود را پیدا کنند. نمایشگاه «آغوش ابریشم» نتیجه همین مسیر آموزشی و تلاش هنرجویانم است.

«شاهزاده شامپیا» روی صحنه تماشاخانه داود کیانیان



نمایش کودک و نوجوان «شاهزاده شامپیا» به نویسندگی منوچهر اکبرلو و کارگردانی علی ساقی از سه شنبه ۱۷ شهریور ساعت ۱۷ (در روزهای زوج) و ساعت ۱۸ (در روزهای فرد) در تماشاخانه داود کیانیان روی صحنه می‌رود. این نمایش داستان شاهزاده شهر شامپیا است که گم شده، سارا فکر می‌کند شاهزاده شهر شامپیاست و به دنبال پادشاه و ملکه می‌گردد و در این مسیر اتفاقاتی رقم می‌خورد. نسرین همتی فرد، آریشا دهقان، یگانه منفردی، فرناز حسینی، آیلین سروش، مژده فعال و امیر پارسا کریمی بازیگران این نمایش هستند که برای کودکان بالای سه سال مناسب است.

سریال «دیار مادری» آماده نمایش شد



سریال «دیار مادری» به کارگردانی حسین تبریزی با انتشار پوستر رسمی، وارد مرحله تازه‌ای پیش از پخش شده است. در این سریال، جمعی از بازیگران شناخته‌شده از جمله ربابا بروقه، سیاوش طهمورث، امیر کاظمی، اتابک نادری و نگین منتضی به ایفای نقش پرداخته‌اند.

مجسمه سازی شهری در مشهد و چالش های آن در گفت وگو با امیرمهدی وثوق، مجسمه ساز

مشهد می‌تواند به شهر هنر معروف شود

لحظه‌ای از اثر «پدران طایفه» ساخته امیرمهدی وثوق در نصب شدن در جوار یک آپار



مجید خاکپورا اگر مجسمه‌ای که در شهر نصب می‌شود بتواند رضایت

نسبی سفارش دهنده، هنرمند و شهروندان را کسب کند، می‌توان آن را با معیارهایی موفق دانست. اما کسب رضایت هم‌زمان این سه ضلع کار ساده‌ای نیست. موارد بسیاری را می‌شود به یاد آورد و مثال زد از

المان‌ها و مجسمه‌هایی که ساخته شده و فقط توانسته‌اند رضایت سفارش دهنده را کسب کنند و آن هم به این دلیل ساده که توانسته‌اند آنچه مدنظر داشته‌اند پیاده یا در مواردی به هنرمند تحمیل کنند. گاه اثر با رضایت سفارش دهنده و هنرمند همراه است، اما به دل مردم نمی‌نشیند و اگر المانی ثابت باشد آن را به اجبار تحمل می‌کنند و اگر موقت باشد، خیلی زود از یادش می‌برند. در مواردی هم هنرمند ناراضی است که امیرمهدی وثوق، مجسمه‌ساز، در گفت‌وگو با ما به تجربه خودش در این مورد اشاره می‌کند و می‌گوید آن قدر اعمال نظرها در ساخت یک المان زیاد بوده که او دیگر آن را اثر خودش نمی‌داند و هیچ‌جا هم به آن اشاره نمی‌کند. او می‌گوید این تجربه‌ای آشنا برای بسیاری از مجسمه‌سازانی است که برای فضای شهری اثری ساخته‌اند. اعمال نظر بیش از اندازه باعث شده که او به گفته خودش با اینکه مشهدی است، بیشترین کارهایش را در شهرها و استان‌های دیگر بسازد.

وثوق بر این باور است که تجربه کار شهری باعث شده مجسمه‌سازان مشهد به کیفیتی درخور توجه در کارشان برسند و این ظرفیتی است که می‌شود از آن برای شهر استفاده کرد تا مشهد را به عنوان شهر هنر هم بشناسند. البته لازمه موفقیت در این کار این است که سفارش دهنده هم به هنرمند اعتماد کند و هم خواست و سلیقه شهروندان را مد نظر داشته باشد، چون نادیده گرفتن شهروندان در این موضوع سبب می‌شود آن‌ها آن اثر را «تکه آهنی مزاحم» ببینند و به همین دلیل است که این مجسمه‌ساز که دانشجوی مقطع دکتری پژوهش هنر است و تجربه ساخت حدود ۲۰۰ مجسمه شهری را دارد، تأکید می‌کند که مجسمه نباید «از بالا به مردم دیکته شود».

● نصب مجسمه در شهرها تاریخی طولانی دارد، شاید

به قدمت خود شهرها، به نظر شما فلسفه وجود مجسمه در شهر در دوران کنونی چیست و آیا زمان، تغییری در کارکرد و فلسفه آن داشته است؟

این موضوع ابعاد بسیاری دارد که می‌شود ساعت‌ها درباره‌اش صحبت کرد. اما چیزی که به ذهنم می‌رسد این است که رویکرد مردم به هنر از دوران بسیار دور تا امروز هیچ تغییری نکرده است. یعنی در واقع همان طوری که یک اثر هنری خوب روی دیوار غارها و صخره‌ها باعث مکث آدم‌ها می‌شده، امروز هم می‌شود. فلسفه مجسمه در شهر، مکث کردن است. در هیاهوی ترافیک و زندگی ماشینی که همه به دنبال مقصد هستند، مجسمه باید عابر را برای یک ثانیه هم که شده از روزمرگی جدا کند. مجسمه، تابلوی اعلانات شهر نیست، روایتی است که با خاطره‌ای رازنده می‌کند یا یک نشانه (Landmark) است برای درک بهتر فضا. همچنین می‌شود کارکردهای مختلفی از یک اثر هنری در موضوع مورد بحث انتظار داشت؛ از جمله یادآوری، یادبود یا یادمان، ایجاد انگیزه، برانگیختن حس‌هایی مانند میهن دوستی، پیام‌رسان اجتماعی و چیزهای دیگر. یعنی هر اثر هنری جنبه‌های مختلفی دارد و اینجاست که تفکر هنرمند خیلی ارزشمند می‌شود که متأسفانه اجازه تفکر آزاد و خلاق را و آن میزان از آزادی لازم را به هنرمند نمی‌دهند، یا حداقل در مشهد این‌طور است.

● ممکن است در مواردی خواست و سلیقه

سفارش دهنده با هنرمند متفاوت باشد. با توجه به تجربه‌ای که دارید بپذیر این موضوع در حاصل کار تأثیرگذار است؟ آیا اعمال نظر سفارش دهنده می‌تواند باعث شود که پیوند و احساس تعلق هنرمند با اثرش قطع یا سست شود؟

خیلی تأثیرگذار است، خیلی. حرفی را همیشه به شوخی در شهرداری می‌گویم: بنده دانشجوی دکتری پژوهش هنر و تایک جایی در زمینه هنر صاحب نظر هستم، ولی متأسفانه ما یک چیزی داریم که از صاحب‌نظر مهم‌تر است و آن غالب نظر است. یعنی سفارش دهنده که شهرداری باشد نظر خودش را تحمیل می‌کند. این اتفاق بارها و بارها برای خود من افتاده است. یعنی اعمال نظر تا جایی پیش رفته است که من دیگر آن کار را جزو فهرست کارهای انجام شده خود-با اینکه مجسمه‌ای ۹ متری بوده-نگذاشته‌ام تصویری از آن در صفحه شبکه اجتماعی‌ام نگذاشته‌ام و اصلاً هیچ مانویری روی آن نکرده‌ام که این کار من بوده است. چون خیلی دستخوش تغییرات مختلف شده است. برای همه هنرمندان این داستان اتفاق افتاده است و این دست‌آثار را جزو رزومه کاری‌شان نمی‌گذارند. خیلی مهم است که یک جایی به هنرمند اعتماد کنند و بگذارند ایده خودش را اجرا کنند. اگر تغییر در حد ۵ درصد

و ۱۰ درصد، مشکلی نیست. ولی گاهی

تغییر آن قدر زیاد است که دیگر از ایده

اصلی و اولیه هنرمند خارج می‌شود و

خروجی هم ممکن است نتیجه خوبی

نداشته باشد. هرچند در سال‌های

اخیر از این کارها زیاد دیده‌ام. یک

سال یک‌کیک عروسی بزرگی وسط

میدان استقلال گذاشته بودند

به منظور تبلیغ زادآوری و

ازدبیاد جمعیت. یک ایده

خیلی بیش افتاده از یکی از

مدیران بود که یک نفر قبول

کرد اجرا کند. بالاخره در کار ما

هم آدمی که به انجام پروژه نیاز

دارد و این کارها را قبول می‌کند،

زیاد است. چون کسی که میزانی

تجربه داشته باشد و ذهنی

کشیده و آبرویی جمع کرده

باشد هیچ وقت همچنین کاری

نمی‌سازد. ولی خیلی کسان

هم هستند که می‌سازند. آن

کار نصب شد و هیچ وقت هم اقبالی نگرفت. آن کار را یادت هست؟

● نه، یادم نیست.

سال قبلش در همان جایک‌کار نوستالژی جالبی انجام داده بودند و یک دو-چرخه ۲۸ سایه‌ای چینی را ساخته بودند، سال قبل از آن المان یک ترازوی بزرگ بود که اثری تعالی بود و آدم‌ها روی ترازو می‌رفتند، اگر خاطرت باشد.

● بله، آن‌ها را خاطرم هست.

یعنی فرض کن آن کار [کیک عروسی] خاطرت هم نیست، با اینکه کار خیلی بزرگی بود که وسط میدان هم گذاشته بودند. می‌بینی، حتی هزینه بسیار هنگفتی که برایش شده بود هم باعث نشده در خاطر بماند. وقتی کار از ایده و دست هنرمند خارج و نظرهای شخصی به آن تحمیل می‌شود این اتفاق برایش می‌افتد. خیلی هم طبیعی است.

● این اعمال نظر نمی‌تواند سبب تکراری شدن مضمون آثار شود؟

بله، می‌تواند. البته اشکال ندارد اگر شعار سال زادآوری و ازدیاد جمعیت است برایش المان باشد، نه اینکه ساده‌ترین و اولین چیزی که به ذهن می‌رسد را بسازند. این‌ها خیلی با هم فرق می‌کند. ایده یا شعار اولیه مانند یک شعاع نور است، وقتی از منشور رد می‌شود، هفت‌هشت رنگ می‌دهد. در واقع هنرمند آن منشور است و می‌تواند این کار را انجام دهد. ولی شما این منشور را برمی‌داری و تنوع نور را می‌گیری و یک خط صاف ارائه می‌دهی.

● این تحمیل می‌تواند به بی‌انگیزگی هنرمند هم منجر شود، مانند همان تجربه خودتان که کاری که بیش از حد در آن اعمال نظر شده را جزو کارهای خودتان

نمی‌آورید. این دلسردی چه نتایجی دارد؟

تأثیر این رفتار و اعمال نظرها سبب شده که من به عنوان یک هنرمند مشهدی عمده کارهای خوم را خارج از استان خراسان ساخته‌ام. نتیجه‌اش این است. من حدود ۲۰۰ مجسمه شهری ساخته‌ام که از این تعداد شاید ۱۰، ۱۵ تا آن داخل مشهد بوده، مابقی بیرون از استان است. در جاهایی است که بیشتر اجازه می‌دادند من ایده‌های خودم را اجرا کنم. البته اعمال نظر یکی از مسائلی است که باعث دلسردی هنرمند می‌شود. بزرگ‌ترین عاملی که به نظرم باعث دلسردی هنرمند می‌شود، برخورد نهاد‌های دولتی با هنرمند به مثابه یک پیمانکار است، نه یک آر‌تیست. وقتی کارت را به عنوان یک آر‌تیست انجام می‌دهی، می‌روی در صف پیمانکارانی که جدول رنگ می‌کنند. یا خیابان را اسفالت می‌کنند یا کارهای این تیبی و روش تسویه حساب‌ها خیلی فشار می‌آورد. چون هنرمند مانند یک پیمانکار ساختمانی گردن کلفت نیست که چند ده میلیارد پول ذخیره داشته باشد و اصلاً برایش مهم نباشد که شما پولش را امسال می‌دهی یا سال دیگر، نوع تسویه حساب‌ها یکی از بزرگ‌ترین معضلاتی است که باعث شده بعضی هنرمند‌ها اصلاً وارد کار نشوند.

بخشی دارد به نام خانه هنرمندان، آنجا کارها قیمت‌گذاری می‌شود، قرارداد با قیمت‌های به روز بسته می‌شود و

سفارش دهنده اثر برای فضای شهری از سوی دیگر باید خواست و نظر شهروندان را هم در نظر داشته باشد.

چه سهم و میزانی باید برای خواست مردم و احساس نزدیکی و پیوند آن‌ها به مجسمه یا کلا هر اثر هنری که قرار است در شهر نصب یا اکران شود، در نظر گرفته شود؟

دور بودن مجسمه‌ها هر المانی از سلیقه شهروندان و جهان‌باورهایشان را می‌شود صرفاً با دادن جای خوب به آن و ساخت دریاچه‌بزرگ جبران کرد؟

بزرگ بودن یک کار باعث دیده شدنش می‌شود، اما مورد پسند بودن و مورد قبول واقع شدن، نه. یعنی اینکه یک اثر اگر بزرگ باشد همه می‌بینند و با انگشت به هم نشان می‌دهند، حالا آیا این باعث می‌شود که این کار مورد پسند هم باشد؟ نه. سایز کار الزامی برای مورد پسند واقع شدن ایجاد نمی‌کند. ابعاد بزرگ فقط باعث دیده شدن می‌شود، اما تضمینی برای ماندگار شدن نیست. ابعاد بزرگ، شهر را نمی‌سازد؛ مقیاس انسانی شهر را می‌سازد. اثری که مردم بتوانند در کنارش بایستند، لمسش کنند و با آن عکس یادگاری بگیرند، برنده است. مردم به هوش هنرمند بیش از اندازه مجسمه احترام می‌گذارند. اثری که کمی طنز، کمی تاریخ و کمی صمیمیت داشته باشد، همیشه زودتر از یک تندیس غول‌آسای سرد، در دل شهر جا باز می‌کند. اگر مجسمه‌ای با باورها، ادبیات و ریشه‌های بومی مردم پیوند نخورد، در بهترین حالت یک تکه آهن مزاحم در پیاده‌رو است.

مجسمه باید در قد و قواره باورهای مردم باشد، نه چیزی که از بالا به آن‌ها دیکته شود. ما باید از مجسمه‌سازی سلیقه‌ای نهاد سفارش دهنده فاصله بگیریم و به سمت روایت‌گری انسانی و آثار خیال‌پردازانه‌تر برویم.

● در ابتدای صحبت اشاره کردید که آثار هنری از نقاشی‌های غارها تا مجسمه‌های امروزی باعث مکث کردن می‌شود، می‌توانیم از این مجسمه شهری انتظار داشته باشیم که باعث مکث و تأمل شود و هم زمینه گفت‌وگو را ایجاد کند؟

● در ابتدای صحبت اشاره کردید که آثار هنری از

نقاشی‌های غارها تا مجسمه‌های امروزی باعث مکث

کردن می‌شود، می‌توانیم از این مجسمه شهری انتظار

داشته باشیم که باعث مکث و تأمل شود و هم زمینه

گفت‌وگو را ایجاد کند؟

● در ابتدای صحبت اشاره کردید که آثار هنری از

نقاشی‌های غارها تا مجسمه‌های امروزی باعث مکث

کردن می‌شود، می‌توانیم از این مجسمه شهری انتظار

داشته باشیم که باعث مکث و تأمل شود و هم زمینه

گفت‌وگو را ایجاد کند؟

● در ابتدای صحبت اشاره کردید که آثار هنری از

نقاشی‌های غارها تا مجسمه‌های امروزی باعث مکث

کردن می‌شود، می‌توانیم از این مجسمه شهری انتظار

داشته باشیم که باعث مکث و تأمل شود و هم زمینه

گفت‌وگو را ایجاد کند؟

● در ابتدای صحبت اشاره کردید که آثار هنری از

نقاشی‌های غارها تا مجسمه‌های امروزی باعث مکث

کردن می‌شود، می‌توانیم از این مجسمه شهری انتظار

داشته باشیم که باعث مکث و تأمل شود و هم زمینه

گفت‌وگو را ایجاد کند؟

● در ابتدای صحبت اشاره کردید که آثار هنری از

نقاشی‌های غارها تا مجسمه‌های امروزی باعث مکث

کردن می‌شود، می‌توانیم از این مجسمه شهری انتظار

داشته باشیم که باعث مکث و تأمل شود و هم زمینه

گفت‌وگو را ایجاد کند؟

● در ابتدای صحبت اشاره کردید که آثار هنری از

نقاشی‌های غارها تا مجسمه‌های امروزی باعث مکث

کردن می‌شود، می‌توانیم از این مجسمه شهری انتظار

داشته باشیم که باعث مکث و تأمل شود و هم زمینه

گفت‌وگو را ایجاد کند؟

● در ابتدای صحبت اشاره کردید که آثار هنری از

نقاشی‌های غارها تا مجسمه‌های امروزی باعث مکث

کردن می‌شود، می‌توانیم از این مجسمه شهری انتظار

داشته باشیم که باعث مکث و تأمل شود و هم زمینه

گفت‌وگو را ایجاد کند؟

● در ابتدای صحبت اشاره کردید که آثار هنری از

نقاشی‌های غارها تا مجسمه‌های امروزی باعث مکث

کردن می‌شود، می‌توانیم از این مجسمه شهری انتظار

داشته باشیم که باعث مکث و تأمل شود و هم زمینه

گفت‌وگو را ایجاد کند؟

● در ابتدای صحبت اشاره کردید که آثار هنری از

نقاشی‌های غارها تا مجسمه‌های امروزی باعث مکث

کردن می‌شود، می‌توانیم از این مجسمه شهری انتظار

داشته باشیم که باعث مکث و تأمل شود و هم زمینه

گفت‌وگو را ایجاد کند؟

● در ابتدای صحبت اشاره کردید که آثار هنری از

نقاشی‌های غارها تا مجسمه‌های امروزی باعث مکث

کردن می‌شود، می‌توانیم از این مجسمه شهری انتظار

داشته باشیم که باعث مکث و تأمل شود و هم زمینه

گفت‌وگو را ایجاد کند؟

● در ابتدای صحبت اشاره کردید که آثار هنری از

نقاشی‌های غارها تا مجسمه‌های امروزی باعث مکث

کردن می‌شود، می‌توانیم از این مجسمه شهری انتظار

داشته باشیم که باعث مکث و تأمل شود و هم زمینه

گفت‌وگو را ایجاد کند؟

● در ابتدای صحبت اشاره کردید که آثار هنری از

نقاشی‌های غارها تا مجسمه‌های امروزی باعث مکث

کردن می‌شود، می‌توانیم از این مجسمه شهری انتظار

داشته باشیم که باعث مکث و تأمل شود و هم زمینه

گفت‌وگو را ایجاد کند؟

● در ابتدای صحبت اشاره کردید که آثار هنری از

نقاشی‌های غارها تا مجسمه‌های امروزی باعث مکث

کردن می‌شود، می‌توانیم از این مجسمه شهری انتظار

داشته باشیم که باعث مکث و تأمل شود و هم زمینه

گفت‌وگو را ایجاد کند؟

● در ابتدای صحبت اشاره کردید که آثار هنری از

نقاشی‌های غارها تا مجسمه‌های امروزی باعث مکث

کردن می‌شود، می‌توانیم از این مجسمه شهری انتظار

داشته باشیم که باعث مکث و تأمل شود و هم زمینه

گفت‌وگو را ایجاد کند؟

● در ابتدای صحبت اشاره کردید که آثار هنری از

نقاشی‌های غارها تا مجسمه‌های امروزی باعث مکث

کردن می‌شود، می‌توانیم از این مجسمه شهری انتظار

داشته باشیم که باعث مکث و تأمل شود و هم زمینه

گفت‌وگو را ایجاد کند؟

● در ابتدای صحبت اشاره کردید که آثار هنری از

نقاشی‌های غارها تا مجسمه‌های امروزی باعث مکث

کردن می‌شود، می‌توانیم از این مجسمه شهری انتظار

داشته باشیم که باعث مکث و تأمل شود و هم زمینه

گفت‌وگو را ایجاد کند؟

● در ابتدای صحبت اشاره کردید که آثار هنری از

نقاشی‌های غارها تا مجسمه‌های امروزی باعث مکث

کردن می‌شود، می‌توانیم از این مجسمه شهری انتظار

داشته باشیم که باعث مکث و تأمل شود و هم زمینه

گفت‌وگو را ایجاد کند؟

● در ابتدای صحبت اشاره کردید که آثار هنری از

نقاشی‌های غارها تا مجسمه‌های امروزی باعث مکث

کردن می‌شود، می‌توانیم از این مجسمه شهری انتظار

داشته باشیم که باعث مکث و تأمل شود و هم زمینه

گفت‌وگو را ایجاد کند؟

● در ابتدای صحبت اشاره کردید که آثار هنری از

نقاشی‌های غارها تا مجسمه‌های امروزی باعث مکث

کردن می‌شود، می‌توانیم از این مجسمه شهری انتظار

داشته باشیم که باعث مکث و تأمل شود و هم زمینه

گفت‌وگو را ایجاد کند؟

● در ابتدای صحبت اشاره کردید که آثار هنری از

نقاشی‌های غارها تا مجسمه‌های امروزی باعث مکث

کردن می‌شود، می‌توانیم از این مجسمه شهری انتظار

داشته باشیم که باعث مکث و تأمل شود و هم زمینه

گفت‌وگو را ایجاد کند؟

● در ابتدای صحبت اشاره کردید که آثار هنری از

نقاشی‌های غارها تا مجسمه‌های امروزی باعث مکث

کردن می‌شود، می‌توانیم از این مجسمه شهری انتظار

داشته باشیم که باعث مکث و تأمل شود و هم زمینه

گفت‌وگو را ایجاد کند؟

● در ابتدای صحبت اشاره کردید که آثار هنری از

نقاشی‌های غارها تا مجسمه‌های امروزی باعث مکث

کردن می‌شود، می‌توانیم از این مجسمه شهری انتظار

داشته باشیم که باعث مک